

Iraqi Imposed War Against Iran in View of Defense and Security Scholars

Mehdi Nouri Nttaqpoor¹, Reza Shahgholian Ghahfarokhi²

Abstract

This article tries to investigate the causes of wars, especially the Iraqi – Iran from the view point of the defense and security analysts about the sacred war.

Therefore, due to the nature of research and its topic and as well as respond to its questions, descriptive - analytical method has been used. This article is the kind of theoretical - applied research category. Methods and tools for data and information collecting are in a manner of Library – Documentation also referring to the speeches and sayings of Imam Khomeini and the Supreme Leader and Internet resources.

By analyzing the data, we can be reply the main question of "outlooks of defense and security scholars about the Iraqi imposed war against Iran?" In response to this question it should be said that the main cause of the war between Iran and Iraq was the struggle between two great powers of the West and East. These two powers considered the fledgling revolution of the Islamic Republic of Iran as a major threat to their targets. Therefore, they engaged in war with Iran by Iraq.

The results with conclusions from the different perspectives, especially those of two leaders of Islamic Revolution on the sacred defense recognized, state that the common point of all theories about the Iraqi imposed war against Iran, emphasizing the changing of consequences as the main platform of war and instigating border disputes in vacuum of power situation try of and Iraqi efforts for compensating it and, most important of all, was the role of the two superpowers of East and West.

Keywords: Iraqi imposed war against Iran, sacred defense, attitude, defense and security scholars.

1-Assistant Professor and Faculty Member of Imam Hossein (AS) Comprehensive University.
2- Trainer and Researcher of University for Training Military Officers and Guards.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در نگرش اندیشمندان دفاعی و امنیتی

مهدی نطاق پور نوری^۱، رضا شاهقلیان قهفرخی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

چکیده

این مقاله سعی دارد ضمن بررسی علل وقوع جنگ‌ها به‌خصوص جنگ ایران و عراق، به بررسی دیدگاه‌های تحلیل‌گران دفاعی و امنیتی پیرامون دفاع مقدس، بپردازد.

از این رو با توجه به ماهیت عنوان و همچنین در مسیر پاسخگویی به پرسش مقاله، در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. این مقاله از نظر نوع تحقیق در دسته پژوهش‌های نظری-کاربردی قرار دارد. روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی، رجوع به سخنرانی‌ها و فرمایشات امام(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) و منابع اینترنتی می‌باشد.

با تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان به سؤال اصلی مقاله که همان «نگرش و دیدگاه اندیشمندان دفاعی و امنیتی پیرامون جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چیست؟» است، پاسخ داد. در پاسخ به این سؤال باید گفت که: عامل اصلی برپایی جنگ بین ایران و عراق جدال دو ابرقدرت بزرگ به نام غرب و شرق بودن. این قدرت‌ها انقلاب نوپای جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان تهدیدی بزرگ برای اهداف خود قلمداد می‌کردند. لذا به واسطه عراق وارد جنگ با ایران شدند.

نتایج تحقیق که با جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف به‌خصوص دیدگاه‌های امامین انقلاب اسلامی درباره دفاع مقدس احصاء شده است بیانگر آن است که نقطه اشتراک تمامی نظریه‌های پیرامون جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تأکید بر تغییر وضعیت پیامدها به‌عنوان بستر اصلی وقوع جنگ و تحریک اختلافات مرزی در پی خلأ قدرت و تلاش عراق برای جبران آن و از همه مهم‌تر نقش دو ابرقدرت غرب و شرق بوده است.

کلیدواژه‌ها: جنگ عراق علیه ایران، دفاع مقدس، نگرش، اندیشمندان دفاعی و امنیتی.

۱- استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲- مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).

مقدمه

روز ۳۱ شهریور یادآور شروع جنگ تحمیلی و حمله همه‌جانبه رژیم بعث عراق به سرکردگی صدام علیه جمهوری اسلامی ایران است. جنگ تحمیلی تنها پس از گذشت حدود ۲۰ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی، در حالی که دولت نوپای جمهوری اسلامی ایران مشغول بازسازی سازمان‌ها و تشکیلات دولتی بود و نیروهای مسلح نیز سازمان‌دهی و آمادگی کامل و لازم برای مقابله با جنگ نداشتند، آغاز شد. در چنین موقعیتی میهن اسلامی، مورد هجوم استکبار و مزدوران منطقه‌ای قرار گرفت. رژیم بعثی صدام که از همان آغاز پیروزی انقلاب، از بیداری ملت عراق و سایر ملل اسلامی منطقه به وحشت افتاده و رویای ژاندارمی خود را در منطقه در خطر می‌دید، با چراغ سبز ابرقدرت‌های وقت، پس از ماه‌ها تحرک محدود مرزی، بالاخره در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ حمله تمام عیار زمینی، دریایی و هوایی خود را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. صدام که خبر از فتح قریب‌الوقوع سه روزه خوزستان می‌داد و به خیال خام خود می‌خواست در کمتر از یک ماه، سراسر ایران را فتح کند، با مقاومت مردم غیور در مرزها و عملیات رزمندگان سلحشور اسلام مواجه شد. به‌طوری که تنها در پشت دروازه‌های شهر خرمشهر، ۳۴ روز درجا زد. مردم مسلمان و انقلابی ایران به فرمان حضرت امام خمینی (ره) از سراسر ایران به مرزها هجوم آورده و با هرچه که در توان داشتند، به دفاع از میهن پرداختند. علیرغم پیشروی‌های محدود و اشغال چند نقطه در مرزها توسط ارتش بعث به‌زودی دشمن از کرده خویش پشیمان شد و به تاکتیک ادعای صلح روی آورد (پس از آزادی خرمشهر)؛ اما این توطئه دشمن همانند حمله اولیه‌اش با روشن‌بینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی نقش بر آب شد و سرانجام پس از ۸ سال دفاع مقدس، حقانیت ملت ایران به اثبات رسید. حتی دخالت مستقیم نظامی آمریکا در خلیج فارس و کمک‌های مالی و نظامی کشورهای منطقه و قدرت‌های غربی و شرقی نیز سودی برای تحقق رؤیاهای صدام نداشت. جنگ ایران و عراق، حادثه تاریخی، بزرگ و سرنوشت‌سازی بود که به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) ثمرات ارزشمندی از جمله استحکام ریشه‌های انقلاب اسلامی و صدور آن به جهان را در پی داشت. بر همین اساس، هشت سال دفاع مقدس ملت ایران نه تنها در تاریخ ایران، بلکه در تاریخ اسلام نیز موضوعی مهم به شمار می‌رود (شاهقلیان قهفرخی، ۱۳۹۵: ۲).

دوران هشت ساله دفاع مشروع امت سلحشور ایران در حفظ و اعتلای نظام مقدس اسلامی و حراست از مرزهای عزت و شرف این مرز و بوم، به مثابه یکی از حساس‌ترین و بارزترین برهه‌های حیات راستین این ملت، همچون نگینی تابناک تا همیشه زمان، بر تارک تاریخ حماسه و ایثار و پایداری آزادگان جهان خواهد درخشید. دفاع امت اسلامی ایران در برابر تجاوز همه‌جانبه دشمنان اسلام، در تاریخ افتخار آفرینی مبارزات حق‌طلبانه، یک ملت سترگ، فروزان خواهد ماند. پایداری ایران اسلامی که برخاسته از روح وحدت و ایمان بود، در سایه هدایت‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) شکل گرفت و باعث احیای یک مکتب سازنده و نهضت بیداری اسلامی در جهان شد. هشت سال دفاع مقدس در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و ... توانست معادلات جهانی معمول را برهم زده و تحلیل‌های مادی دنیاپرستان را نقش بر آب سازد. این حادثه عظیم، بی‌شک در یاد ملت ایران خواهد ماند و غرور و سرافرازی و حماسه آفرینی را در نسل‌های بعد برجای خواهد گذاشت.

بیان مسأله

با گذشت چندین سال از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، هنوز در ابتدای راه پر فراز و نشیب پژوهش پیرامون ابعاد مختلف این موضوع هستیم. جنگی که هدف آن از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) واژگون ساختن نظام انقلابی حاکم بر ایران بود (درودیان، ۱۳۸۳: ۱۵). ایشان با درک روشنی از هدف جنگ عراق علیه ایران فرموده‌اند: «این جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازمان‌دهی شد» (آیت‌... خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۱). لذا می‌طلبد که این موضوع یعنی جنگ تحمیلی به‌عنوان یک مسأله مهم در ابعاد مختلف مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد؛ اما از جمله اقدامات اولیه و ضروری جهت تحقیق و پژوهش در هر مبحث علمی و تخصصی، آگاهی محقق نسبت به تحقیقات انجام شده و در دست اقدام در آن زمینه می‌باشد. از همین روست که اکثر نهادهای دانشگاهی و تحقیقاتی، آخرین آمار مقالات و تحقیقات صورت گرفته خود را به صورت مستمر منتشر نموده و در اختیار دانشجویان و محققین قرار می‌دهند. امروزه در عصر ارتباطات، دامنه این آگاهی‌بخشی چنان گسترده شده است که نه تنها به جهت اطلاع از وضعیت کارهای صورت گرفته، بلکه بیشتر

به جهت تعیین موضوعات تحقیق و تبیین موضوعات جدید در آن زمینه از این بانک‌های اطلاعاتی استفاده می‌شود.

هرچند تلاش‌های پرتیر و مفیدی که تاکنون توسط پژوهشگران حوزه دفاع مقدس صورت گرفته است، ارزشمند است، اما باید پذیرفت که موضوعات جدیدتر و متنوعی را می‌توان از نگاه‌های مختلف پیرامون دفاع مقدس و جنگ تحمیلی بررسی و پژوهش نمود. نیازسنجی مستمر، ارزیابی مبادی پژوهشی دفاع مقدس با روش‌های مدیریتی صحیح و تعیین اولویت‌های پژوهشی از جنبه‌های ارزشمندی است که تقویت عملکرد نظام تحقیقاتی کشور و ارتقاء تولید و اشاعه دانش و بهبود رفتار تعاملی بین محققان و مراکز فعال در حوزه جنگ هشت ساله را به دنبال دارد. بر همین اساس بر آن شدیم تا با بررسی نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلف صاحب‌نظران و اندیشمندان مختلف داخلی و خارجی، از نگاه آنها به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران پرداخته و دیدگاه آنها را پیرامون این جنگ تحمیلی مورد بررسی و واکاوی قرار دهیم. از این رو دغدغه نویسندگان این مقاله در راستای انجام این پژوهش، بررسی نگرش و دیدگاه‌های برخی اندیشمندان مختلف دفاعی و امنیتی سراسر جهان بوده تا با تحلیل نقطه نظرات و دیدگاه‌های آنها بتوان از زاویه دیگر به دفاع مقدس و جنگ تحمیلی نگاه کرد و به بررسی آن پرداخت.

هدف از تحقیق

با توجه به موضوع مطرح شده و با توجه به هشت سال دفاع جانانه ملت ایران به رهبری امام خمینی^(ره)، هدف از این تحقیق، بررسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (دفاع مقدس) در نگرش برخی اندیشمندان دفاعی و امنیتی می‌باشد.

پرسش تحقیق

نگرش و دیدگاه اندیشمندان دفاعی و امنیتی پیرامون جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چیست؟

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق، در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی جهت بررسی موضوع استفاده شده است و از طریق تحلیل روایت‌های دفاع

مقدس از منظر امامین انقلاب اسلامی ایران و دیدگاه مختلف اندیشمندان داخلی و خارجی، به بررسی سؤال تحقیق پرداخته شده است. روش توصیفی-تحلیلی عبارت است از اینکه محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسأله و ابعاد آن پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها فراهم می‌شود (حافظنیا، ۱۳۹۴: ۷۱). روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی، منابع اینترنتی، رجوع به سخنرانی‌ها و فرمایشات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌باشد. لذا در این روش با مطالعه چندین کتاب، فصلنامه تخصصی، مقالات و تحقیق دیگر پژوهشگران به شیوه فیش‌برداری و جستجو در فضای اینترنت، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردیده و سعی شده است تا تجزیه و تحلیل این داده‌ها به صورت کیفی صورت پذیرد و به پرسش تحقیق، پاسخ مناسبی داده شود.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۱- مفهوم شناسی

دفاع مقدس: به مجموعه مجاهدت‌ها، حماسه‌ها، پایمردی‌ها و فعالیت‌های متنوعی که ملت شریف و مسلمانان ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال (۲۸۹۶ روز) در برابر تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران اسلامی انجام داده‌اند و در این امتحان الهی سربلند و پیروز بیرون آمدند، دوران دفاع مقدس می‌گویند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۴۶).

جنگ تحمیلی: به هشت سال جنگ استکبار به دست عراق علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گفته می‌شود که حضرت امام (ره) آن را به دفاع مقدس تعبیر نمودند (رمضانی، ۱۳۹۴: ۶۹).

نگرش: تعدد و تنوع واژه‌های نگرش، ایستار، طرز رفتار، طرز تلقی، پنداشت، طرز تفکر بر اساس مفروضات پیشین و مانند آنها در آثار مترجم برآیند، فقدان معادلی مناسب برای اصطلاح Attitude و نیز پیچیدگی و تعدد جوانب موضوعی است که این واژه از آن حکایت می‌کند. جی. دبلیو. آلپورت در تعریف نگرش می‌نویسد: «حالتی ذهنی یا عصبی حاکی از تمایل، که از طریق

تجربه سازمان یافته و بر پاسخ‌های فرد به تمامی موضوعات و موقعیت‌هایی که با آن در ارتباط است، تأثیری جهت‌دار یا پویا دارد» (کاردان، ۱۳۶۸:۵۳۸)؛ به عبارت دیگر، هر نگرش نوعی موضع‌گیری قبلی برای انجام عمل مثبت یا منفی نسبت به اشخاص، اشیا و حوادث است و نقش جهت‌دهنده در تبدیل حالات روانی - عاطفی به حالات حرکتی ایفا می‌کند. از نظر روان‌شناسی، مفاهیم نگرش، تفکر قالبی و سطح آرزو از مفاهیم روانی - اجتماعی هستند که طرحی سازمان‌یافته از محرک‌ها ارائه می‌دهند. فرد تنها در سایه ارتباط با گروه است که می‌تواند به چنین سازمانی روانی مجهز شود.

۲- چارچوب نظری تحقیق

جنگ ایران - عراق در زمره موضوعاتی است که تاکنون توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران را به خود معطوف داشته است. هریک از این نظریه‌پردازان کوشیده‌اند تا شکل خاصی از تحلیل ساختاری رفتاری و کارکردی را ارائه دهند. تحلیل‌گرانی که بر اساس رهیافت‌های ساختاری مبادرت به بررسی و تبیین جنگ ایران و عراق نموده‌اند، هریک بر شاخص خاصی از متغیرهای درون ساختاری، منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارند که بر روابط ایران - عراق در دوران‌های مختلف تأثیر گذاشته است (متقی، ۱۳۸۸:۳۶).

در بین این نظریه‌پردازان، می‌توان به نظریه «آنتونی کوردزمن»، «فرانسیس بویل»، «اریک هوگلند»، «انوشیروان احتشامی»، «رونالد آسموس»، «مایکل آژاری»، «توماس ناقر» و «ماکسول جانسون» و دیگر صاحب‌نظران اشاره کرد. آنان توانسته‌اند بر اساس متغیرهای مرسوم در تحلیل منازعات منطقه‌ای به تبیین تحول رفتاری کشورهای ایران و عراق در طی جنگ هشت ساله، پردازند. به نگرش هریک از آنان می‌توان در قالب ادبیات و نشانه‌های تحلیلی ذیل توجه نمود، اما قبل از آن به دو نگرش کلان، از دو صاحب‌نظر بزرگ جهان یعنی امامین انقلاب اسلامی پیرامون دفاع مقدس و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نگاهی می‌اندازیم.

نگرش کلان دفاع مقدس و جنگ تحمیلی از منظر امام خمینی^(ه)

در بررسی کلان روایت‌های دفاع مقدس از منظر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی^(ه)، نگرش‌های متفاوتی پیرامون دفاع مقدس وجود دارد که در زیر به برخی از آنها

پرداخته شده است:

- امام خمینی (ره) پیرامون انسجام و وحدت جنگ و دفاع مقدس فرموده‌اند: «جنگ هم یک مسأله‌ای بود که انسان خیال می‌کرد بسیار مهم است، لکن معلوم شد که منافعش بیشتر از ضررهایش بود. آن انسجامی که در اثر جنگ بین همه قشرهای مردم پیدا شد و آن معنای روحانی و معنوی که در خود سربازان ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران به نمایش گذاشته شد و آن روح تعاونی که در همه ملت از زن و مرد در سرتاسر کشور تحقق پیدا کرد، به دنیا فهماند که این مسأله‌ای که در ایران است با همه مسائل جداست» (صحیفه نور، ج ۱۶: ۱۹).
- همچنین امام جنگ را برای ملت مقاوم و مبارز ایران، عامل آگاهی، حرکت و خروج از فترت و سستی می‌دانست: «وقتی یک جنگی شروع شود، ملت ما بیدار می‌شود، بیشتر متحرک می‌شود» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۵۷).
- ایشان پیرامون نقش جنگ در شکوفایی استعدادها می‌فرمایند: «خدا را سپاس می‌گزاریم که منت هیچ قدرت و کشوری و ابرقدرتی در جنگ، بر گردن ما نیست و مردم کارآزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا، یکه و تنها و مظلومانه بر مشکلات بسیاری از طرح و عملیات و بسیج و آموزش نیروها تا نیاز تسلیحاتی کشورمان فائق آمده است؛ و علاوه بر موفقیت‌های اعجاز گونه‌ای که در صحنه‌های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر، به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه‌اندازی کارخانجات و دگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع ده‌ها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ گونه کمک خارجی، دست یافته‌ایم» (صحیفه امام (ره)، ج ۲۰: ۳۲۶).
- ایشان پیرامون افشای چهره دشمنان در جنگ می‌فرمایند: «این اشخاصی که ادعا می‌کنند و ادعا می‌کردند که ما طرفدار مظلومین هستیم، طرفدار خلق هستیم، فدایی خلق هستیم، مجاهده برای مردم می‌کنیم، ثابت شد به اینکه همه این حرف‌ها، صحبت‌های خلاف

واقع شده است و الآن که کشور ایران با حزب بعث منحط در جنگ هستند، الآن از آنها هیچ خبری نیست و آن‌ها باز به فسادهایی که اندیشه می‌کردند، ادامه می‌دهند. لکن بر آنها هم ثابت شد که اگر یک روزی دولت ایران بخواهد شرّ آنها را بکند، با یک یورش همه آنها را از بین می‌برد. این هم یکی از خیراتی بود که برای ما، در این جنگ تحمیلی حاصل شد» (صحیفه امام^(ه)، ج ۱۳: ۲۴۷).

- حضرت امام پیرامون نقش جنگ و تثبیت و صدور انقلاب می‌فرماید: «هر چند جنگ و دفاع از حق و میهن، زحمت‌ها و خسارت‌ها دارد و جوانان پرارزش را از ما گرفت و جنگ‌زدگان مظلومی را آواره و بی‌خانمان کرد. لکن به خواست خدای مَنان محتوای پر عظمت و شکوهمندی داشت. این جنگ تحمیلی، شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود و ایران بزرگ که می‌رفت با خیانت‌های خاندان پهلوی و بستگان آنان یک کشور وابسته و مصرفی و یک ملت مرده و سر به زیر برای ضربه خوردن و ستم پذیرفتن معرفی شود، ناگهان با یک جهش بی‌سابقه و یک انقلاب الهی در جنگ غافلگیرانه با توطئه جهان خواران ستم‌پیشه و مزدوران بی‌فرهنگ و پشتیبانی آشکار و نهان ابرقدرت‌ها آن‌چنان پیروزمندانه و شجاعانه بر پیکر پلید صدامیان و آمریکاییان منطقه تاخت و آن‌چنان اسطوره‌های شیطانی را یکی پس از دیگری در هم شکست که گویی دست مبارک علی بن ابیطالب (ع) در روز خندق از آستین پر عظمت لشکریان ما بیرون آمده است و در مبارزه تمامی اسلام در مقابل تمامی کفر ظفرمندان و سرافراز با قامتی به بلندی ابدیت استوار ایستاده است» (صحیفه امام^(ه)، ج ۱۶: ۱۵۷).

- ایشان پیرامون نقش جنگ در معرفی اسلام به دنیا می‌فرماید: «جنگ در عین حال که ناگوار بود و شهرهای ما را خراب کرد، ولی برکاتی داشت که اسلام به دنیا معرفی شد و اینکه چه اشخاصی و قدرت‌هایی در مقابل اسلام ایستادند و چه کسانی از اسلام می‌ترسند، و چه قدرت‌هایی علیه اسلام قیام کردند، همه این‌ها در جنگ معلوم

شد. ابرقدرت‌ها نه شخص صدام را می‌خواهند نگه دارند و نه ما را می‌خواهند بکوبند، بلکه آن‌ها از اسلام می‌ترسند و اسلام را می‌خواهند بکوبند، از این جهت با ما مخالفند و از او طرفداری می‌کنند. آن‌ها می‌دانند که مردم کشورهای اسلامی در مقابلشان می‌ایستند و همچنین مردم کشورهای غیر اسلامی که متوجه ما هستند، مثل سیاه‌پوستان» (صحیفه امام^(ره)، ج ۱۸:۱۳۱).

در بررسی و نتیجه این بخش می‌توان گفت که حضرت امام خمینی^(ره)، پیرامون دیدگاه کلان خود در راستای جنگ تحمیلی، هفت شاخص کلی را عنوان نمودند که عبارت است از: انسجام و وحدت جنگ و دفاع مقدس؛ جنگ و دفاع مقدس و شکوفایی استعدادها؛ جنگ و افشای چهره دشمنان؛ جنگ و دفاع مقدس عامل بیداری ملت؛ نقش جنگ در معرفی اسلام به دنیا؛ جنگ و تثبیت و صدور انقلاب و نیز جنگ و دفاع مقدس و خودباوری.

نگرش کلان دفاع مقدس و جنگ تحمیلی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

در بررسی کلان روایت‌های دفاع مقدس از منظر مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، نگرش‌های متفاوتی پیرامون دفاع مقدس وجود دارد که در زیر به آنها پرداخته شده است:

- ایشان پیرامون حمایت غرب و شرق از ارتش بعث عراق این‌گونه می‌فرماید: «شاید برای شما جوانان و نوجوانان عزیز، جالب باشد که بدانید در دوران هشت سال دفاع مقدس، بزرگ‌ترین ضرباتی که از طرف رزمندگان دلاور ما به ارتش مجهز عراق وارد شد - درحالی که آن ارتش از سوی آمریکا، شوروی آن روز، اروپا و بسیاری از کشورهای منطقه حمایت مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی می‌شد - غالباً کار طراحان و فرماندهان جوان و استراتژیست‌های جنگی بیست و پنج شش ساله بود که توانستند ژنرال‌های پیر سال‌ها دوره‌های مختلف دیده ارتش عراق را به زانو درآورند! وقتی جوانان ما خرمشهر را بازپس گرفته بودند، اوایل ریاست جمهوری بنده بود. یک هیئت جهانی به ایران آمد

و رئیس آن- قریب به این مضمون- به من گفت: امروز در دنیا وضع شما با یک سال پیش از زمین تا آسمان تفاوت کرده است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲: حدیث ولایت).

ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «عزیزان من! جوانانی که در این جلسه، در این صحرا حضور دارید و همه‌ی جوانان کشور! بدانید نسل جوان دوران دفاع مقدس توانست با فداکاری، با هوشمندی، با اراده و عزم راسخ، کشور را از دست دشمن نجات بدهد. دشمنان نظام جمهوری اسلامی هدفشان این بود که با جدا کردن یک بخش از میهن اسلامی، ملت ایران را تحقیر کنند؛ می‌خواستند قهاریت خودشان را به ملت ایران تحمیل کنند؛ می‌خواستند ملت را ذلیل کنند و خود را مسلط بر جان و مال و ناموس ملت‌مان قرار بدهند. کی نگذاشت؟ جوان رزمنده‌ی فداکار، آن عزم راسخ، آن ایمان قوی، جلو دشمن با همه‌ی حجم انبوهش ایستاد. آمریکا به دشمن ما کمک می‌کرد؛ شوروی آن روز کمک می‌کرد؛ کشورهای اروپایی‌ای که امروز دم از حقوق بشر می‌زنند، آن روز به این دشمن خبیث کمک می‌کردند، برای اینکه بکشد، نابود کند، زمین و اهل زمین را به آتش بکشد. او هم بی‌محابا این کار را می‌کرد؛ اما جوانان شما، جوانان این ملت نگذاشتند. در همین دشت عباس، در همین دشت وسیع، در این منطقه‌ی طولانی، با جان خودشان آمدند توی میدان، با عزم راسخ خودشان دشمن را مغلوب کردند، منکوب کردند، ذلیل کردند و توطئه‌ای را که همه‌ی قدرت‌های استکباری شریک بودند و سهم بودند و دخیل بودند در اجرای آن، خنثی کردند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹: حدیث ولایت).

و نیز معظم له در جایی دیگر می‌فرماید: «تجربه‌ی دوم، تجربه‌ی ملت ایران در دوران دفاع مقدس بود. شرق و غرب آن روز دنیا رژیم بعثی فاسد مفسد را حمایت می‌کردند؛ آمریکا حمایت می‌کرد، ناتو حمایت می‌کرد، شوروی آن روز حمایت می‌کرد، ارتجاع منطقه حمایت می‌کرد؛ پول می‌دادند، سلاح می‌دادند، اطلاعات می‌دادند، نیروی انسانی می‌دادند، برای اینکه بتوانند نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران را به شکست بکشانند؛ اما ملت ایران در میان تحریم همه‌جانبه، بخصوص تحریم سلاح و تجهیزات جنگی، در غربت کامل، با اتکاء به ایمان خود، ایمان جوانان خود، شجاعت و دلیری نیروهای مسلح خود، توانست این دشمن متکی به کوه سلاح و تجهیزات

را شکست دهد و هزینه‌هایی که این همه بر سر رژیم طاغوتی ریختند، باطل کند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹: حدیث ولایت).

- معظم‌له دفاع مقدس را درس بزرگ ملت ایران به دشمن دانسته و می‌فرماید: «ملت رشید ایران به دفع تجاوز برخاست و با دفاع مقدس از کیان اسلام و میهن اسلامی، سیلی محکمی بر دشمن نواخت و با سلاح و صلاح و در سایه رهبری ولی خدا، آن‌چنان حماسه استقامت و رشادت مظلومانه و سرسختانه‌ای سرود که در تاریخ، به‌مثابه درس بزرگی باقی خواهد ماند و صراط مستقیم مبارزان و آزادی‌خواهان را ترسیم خواهد کرد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸: حدیث ولایت).

- ایشان پیرامون تشریک مساعی همه ملت در دفاع از میهن می‌فرمایند: «شما نیروهای مسلح و همه‌ی ملت ایران، در یک مرحله امتحان خوبی دادید؛ در مرحله‌ی دوم هم یعنی مرحله‌ی بازسازی هم باید همان نمایش قدرت در همه‌ی سطوح کشور و در هرجایی که انسان سربلند و شایسته‌یی از مردم ایران در آن حضور دارد، وجود داشته باشد. در دوران دفاع مقدس، همه ملت با یکدیگر تشریک مساعی کردند و پیشاپیش، نیروهای مسلح ارتش و سپاه و اقیانوس پهناور بسیج مردمی در میدان‌های گوناگون آن‌چنان عظمتی آفریدند که چشم دنیا را به خود متوجه کردند. امروز مانند سال‌های گذشته و بیشتر از آن، ما نشانه‌ی این التفات و اعجاب جهانی را مشاهده می‌کنیم» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰: حدیث ولایت).

- ایشان خودباوری و اعتماد به نفس ملت را به‌عنوان یکی از عوامل پیروزی در دفاع مقدس معرفی نموده و می‌فرماید: «این ملت بر اثر انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به خودباوری دست یافت- یعنی باور کرد که می‌تواند- این را امام به ما درس داد و فضای عمومی نظام اسلامی این را برای ما به ارمغان آورد. امروز جوان ما، دانشجوی ما، استاد ما، پژوهشگر ما، صنعتگر و سازنده‌ی ما باور دارد که می‌تواند. این خودباوری در علم به ما کمک کرد. ما امروز در میدان علم پیشرفت‌های زیادی کرده‌ایم؛ اما هنوز عقیم. هیچ کس خیال نکند که چون در میدان علم پیشرفت کرده‌ایم، به مقصد رسیده‌ایم و

دیگر بس است؛ نه، ما را خیلی عقب نگه داشته‌اند؛ ولی ما پیشرفت کرده‌ایم و در این بیست و پنج سال خیلی جلو آمده‌ایم. طبق آمار، در دوران انقلاب، نسبت پیشرفت علمی ما از همه دنیا بالاتر و بیشتر بوده است! چند روز قبل که جوانان نخبه پیش من آمده بودند، این نکته را به آن‌ها هم گفتم. خودباوری در علم، سیاست و در دفاع از کشور به ما کمک کرد. در دوران جنگ هشت‌ساله اگر خودباوری نداشتیم، پدر این ملت درآمده بود و این کشور پامال شده بود. همین بود که جوان بیست و پنج‌ساله به خودش باور و اعتقاد و اتکاء داشت. یک لشکر را به یک جوان بیست و پنج‌ساله می‌سپردند؛ می‌رفت می‌ساخت، می‌پرداخت، آماده می‌کرد، حرکت می‌کرد، اقدام می‌کرد و کارهای بزرگ انجام می‌داد. امروز این خودباوری وجود دارد. دانشگاه‌های ما امروز کار علمی می‌کنند؛ جوانان ما پیشرفت‌های علمی می‌کنند؛ در بخش‌هایی پیشرفت‌های علمی ما دنیا را نگران کرده است؛ این به برکت انقلاب است. نمی‌خواهند ملت و کشور ایران از لحاظ علمی پیشرفت کند؛ این را صریحاً گفته‌اند. یک کشور تا پیشرفت علمی و پیشرفت اقتصادی نداشته باشد، همیشه قدرتمندان به او زور می‌گویند. کشور ژاپن که تحت سلطه و تحت اشغال بود، خود را جمع‌وجور کرد و از لحاظ علمی پیشرفت نمود. غربی‌ها که هیچ مایل نیستند به منطقه شرق نگاه بیفکنند و به غیر نژاد اروپایی توجّهی نکنند، به خاطر پیشرفت علمی مجبورند آن را جدی بگیرند. در بعضی از مراکز سیاسی یا سیاسی-علمی امریکا گفته‌اند ما نمی‌خواهیم یک ژاپن اسلامی به وجود آید! ژاپن اسلامی یعنی شما. گفته‌اند نمی‌خواهیم بگذاریم ملت ایران از خود پیشرفت علمی نشان دهد. این‌ها حرکت ملت ایران را می‌بینند؛ این خودباوری را می‌بینند؛ این هم از برکات انقلاب و نظام اسلامی بود» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲: حدیث ولایت).

- معظم‌له نمایش قله ظرفیت‌های انسانی ملت ایران در دفاع مقدس را این‌گونه برمی‌شمارند: «پایه پیشرفت‌های علمی کشور- که امروز شما برخی از نمونه‌های آن را می‌شنوید- در دوران دفاع مقدس گذاشته شد. امروز بسیاری از جوانانی که در بخش‌های بسیار حسّاس علمی کشور مشغول کار هستند، همان عناصر دفاع مقدسند که

با همان روحیه و انگیزه مشغول کار شده‌اند و امروز یک نمونه از کارهای شگفت‌آمیز آن‌ها همین غنی‌سازی مواد هسته‌ای است که جزو محرمانه‌ترین فناوری‌های جهانی است که قدرت‌ها آن را در بست در اختیار خود نگاه داشته‌اند؛ اما جوانان ما توانستند با تکیه به استعداد و هوش و دستان ماهر خود این کار بزرگ را انجام دهند، که شما عکس‌العمل‌های مستکبران عالم را می‌بینید. جنجال‌هایی که امروز در دنیا وجود دارد، عکس‌العمل در مقابل استعداد و توانایی و افتخارات شماست. یک نمونه دیگر، تولید و تکثیر سلول‌های بنیادی است؛ اخیراً هم خودشان آمدند و توضیح دادند. متخصصان و دانشمندان جهانی مجبور شده‌اند اعتراف کنند که جوانان ما با پشتوانه ایمان و همت و غیرت توانسته‌اند استعداد جوشان پنهان خود را آشکار کنند و این راه بزرگ را بروند. از این قبیل، ما نمونه‌های متعددی در صحنه تحقیقات داریم. در زمینه‌های نظامی هم همین‌طور است. شاید برای شما جوانان و نوجوانان عزیز، جالب باشد که بدانید در دوران هشت سال دفاع مقدس، بزرگ‌ترین ضرباتی که از طرف رزمندگان دلاور ما به ارتش مجهز عراق وارد شد- درحالی‌که آن ارتش از سوی آمریکا، شوروی آن روز، اروپا و بسیاری از کشورهای منطقه حمایت مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی می‌شد- غالباً کار طراحان و فرماندهان جوان و استراتژیست‌های جنگی بیست و پنج شش ساله بود که توانستند ژنرال‌های پیر سال‌ها دوره‌های مختلف دیده ارتش عراق را به زانو درآورند!» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲: حدیث ولایت).

- ایشان در جایی دیگر با ارائه درک روشن از هدف جنگ عراق علیه ایران فرمودند: «این جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازمان‌دهی شد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۱).

در راستای بررسی دیدگاه و نگرش کلان‌مقام معظم رهبری پیرامون جنگ عراق علیه ایران نیز هفت شاخص کلی احصاء گردید که عبارتند از: معنویت و جاودانگی دفاع مقدس؛ جنگ و دفاع مقدس و حمایت قدرت‌های بزرگ؛ جنگ و دفاع مقدس و حضور ملت؛ جنگ و دفاع مقدس و

خودباوری؛ جنگ و دفاع مقدس و حفظ انقلاب اسلامی؛ جنگ و دفاع مقدس و نمایش ظرفیت‌های انسانی و نیز جنگ و دفاع مقدس و حفظ انقلاب.

نگرش آنتونی کوردزمن^۱ درباره جنگ ایران-عراق

کوردزمن بیش از هر نظریه‌پرداز دیگری نسبت به تحولات تغییر موازنه قدرت در غرب آسیا حساسیت دارد و در صدد تبیین نشانه‌های رفتاری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس معادله قدرت برآمده است. وی هرگونه تحول ژئوپلتیکی و دگرگونی در معادله قدرت بازیگران مختلف را یکی از عوامل تأثیرگذار بر جنگ ایران و عراق می‌داند. ادبیاتی که کوردزمن منتشر کرده عمدتاً تبیین‌گر این موضوع است که آمریکا و اتحادیه شوروی مخالف تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای بوده‌اند. آنان اقدامات متعددی را برای ایجاد موازنه و مقابله با نیروی انقلابی تأثیرگذار بر منطقه به انجام رسانده‌اند. آمریکا و اتحاد شوروی زمانی که عراق در وضعیت تهاجمی قرار داشت هیچ‌گونه مانعی برای تحرک منطقه‌ای وی به وجود نیاوردند. از سوی دیگر آنان در شورای امنیت سازمان ملل به گونه‌ای غیرمستقیم از کشور عراق و اقداماتی که آن کشور علیه جمهوری اسلامی ایران به انجام رساند، حمایت کردند.

شکل‌گیری چنین حمایتی از موضع مشترک آمریکا-شوروی برای ایجاد موازنه در محیط منطقه‌ای ناشی بوده است. کوردزمن چنین نگرشی را در مقالات و کتاب‌های مختلفی منعکس نموده است. اصلی‌ترین آنان در کتابی که به همراه آبراهام واگنر در سال ۱۹۹۰ منتشر کرده آمده است عنوان این کتاب «جنگ‌های مدرن» است. وی پدیده «گریز از مرکز» را انعکاس وضعیتی می‌داند که موازنه قدرت را دچار تغییر و دگرگونی کرده است و هیچ بازیگری به تأثیرگذاری بر چنین پدیده‌ای قادر نخواهد بود (Cordesman and Wagner, 1990:279).

از سوی دیگر، کوردزمن در کتابی با عنوان «روابط نظامی و همکاری‌های استراتژیک غرب در خلیج فارس»، موضوع جنگ ایران و عراق را در فضای اقدامات تاکتیکی و فرآیندهای منازعه

۱- آنتونی کوردزمن مدیر مؤسسه بررسی‌های استراتژیک در آمریکا است. بررسی‌های نظامی به ویژه در خاورمیانه در حوزه تخصص اوست. وی مقالات و کتاب‌های متعددی را در زمینه تحولات نظامی و جنگ ایران و عراق منتشر کرده که عمده آنها ترجمه شده است.

تحلیل کرده و بر مخاطرات مدیریت بحران در عصر جدید تأکید نموده است؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که هرگاه بحران منطقه‌ای جدیدی شکل گیرد، امکان کنترل بازیگران درگیر کاهش یافته و از همه مهم‌تر آنکه، زمینه‌های ظهور رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی به وجود می‌آید. وی این امر را ناشی از ناپایداری ساختار موازنه قدرت منطقه‌ای و همچنین کاهش میزان تأثیرگذاری قدرت‌های بزرگ در طول منازعات و ستیزش‌های امنیتی در جغرافیای منطقه‌ای دانسته است (Cordesman, 1988:386-387).

نگرش فرانسیس بویل درباره جنگ ایران - عراق

حوزه مطالعات تخصصی فرانسیس بویل موضوعات حقوق بین‌الملل است. وی جنگ ایران و عراق را در چارچوب چنین شاخص‌هایی تحلیل کرده است. او قبلاً تلاش نموده تا موضوع تسخیر سفارت آمریکا را به دست دانشجویان پیرو خط امام (ره) در چارچوب اقدام پیشگیری کننده ایران مورد تحلیل قرار دهد. بر اساس منشور ملل متحد، هرگونه اقدام متقابل برای مقابله با تهدید، نشانه‌ای از قاعده حقوقی اقدام پیشگیری کننده محسوب می‌شود؛ بنابراین، کشوری که مبادرت به کنشگری مقابله‌جویانه می‌نماید؛ می‌تواند چنین اقداماتی را بر اساس شاخص‌ها و نشانه‌های تدافعی با تهاجم به انجام رساند.

با توجه به مطلبی که فرانسیس بویل منتشر کرده است واکنش ایران برای تسخیر سفارت آمریکا و همچنین تعقیب متجاوز بعد از عملیات بیت‌المقدس در زمره اقداماتی است که با منشور ملل متحد هماهنگی و همگونی دارد؛ به عبارت دیگر، وی کوشیده است تا روندی را تبیین نماید که از یک سو، به اقدام ایران برای تعقیب متجاوز مشروعیت بخشیده و از سوی دیگر، موضوع بی‌طرفی آمریکا و اتحاد شوروی را مورد انتقاد قرار دهد. بر اساس شواهدی که وی ارائه کرده است آمریکا از عراق و کشور متجاوز به‌طور مؤثر و مستقیم حمایت کرده است. به این ترتیب، بویل در مقالات خود، حمایت آمریکا را از عراق خارج از حق دفاع مشروع دانسته است. وی معتقد است که ضرورت‌های دفاع مشروع که به حمایت مؤثر و مستقیم آمریکا از عراق در جنگ با ایران منجر شد، با واقعیت‌های محیطی و تحولات جنگ هماهنگی نداشت. وی دفاع مشروع را بر مبنای دو نشانه تحلیل می‌کند؛ اول آنکه دفاع مشروع باید ماهیت آنی داشته باشد. اگر تأخیری

در اقدامات و تحولات استراتژیک ایجاد شود، معادله قدرت و امنیت به خطر می‌افتد. دوم اینکه این دفاع باید دارای ماهیتی متعادل کننده باشد. وی نهایتاً در مقاله خود به این نتیجه رسیده که حمایت آمریکا از عراق به عدم موازنه منطقه‌ای انجامید (Boyle, 1987:62).

نگرش اریک هوگلند درباره جنگ ایران - عراق

اریک هوگلند در زمره تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان مسائل ایران و خاورمیانه است. وی برای مدتی سردبیر نشریه خاورمیانه^۱ در آمریکا بود و مقالات و پژوهش‌های بسیار بنیادینی درباره کشورهای غرب آسیا و تحولات آنها از جمله ایران و جنگ ایران و عراق به انجام رسانده است. وی مقالاتی را نیز درباره روابط ایران و آمریکا و موضوعات مختلف امنیتی ایران منتشر کرده است. وی بر این اعتقاد است که سیاست آمریکا در دهه ۱۹۸۰ م تحت تأثیر گرایش‌های ضد ایرانی در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری استراتژیک آمریکا انجام گرفته است. حمایت آمریکا از عراق تنها نمونه‌ای از انعکاس چنین سیاست‌هایی در منطقه است.

بررسی‌های انجام شده در مقالات اریک هوگلند نشان می‌دهد که وی حمایت آمریکا از عراق را بر اساس سیاست‌های منطقه‌ای آن کشور به انجام رسانده و بر نقش آفرینی گروه‌های ضد ایرانی در ساختار سیاسی آمریکا تأکید داشته است. به‌طور کلی، هوگلند بر این اعتقاد است که این حمایت‌ها برای ایجاد تعادل و موازنه منطقه‌ای در خلیج فارس انجام گرفته است. از آنجایی که سیاست‌های کاربردی آمریکا در دهه ۱۹۸۰ م ماهیت غیر متعادل و همچنین غیر متوازن داشته است؛ از این رو، آمریکایی‌ها نتوانستند موازنه منطقه‌ای را در خلیج فارس برای مدت طولانی ایجاد نمایند (Hoogland, 1991:42).

به اعتقاد هوگلند مواضع عراق و کشورهای منطقه ماهیت ضد ایرانی داشته است. در زمانی که آنان در روند حمایت آمریکا، جهان غرب و کشورهای مؤثر در ساختار دوقطبی قرار گرفته‌اند، دو حادثه شکل می‌گیرد. در مرحله اول، طمأنینه برای ایجاد تعادل نسبی در منطقه به وجود می‌آید. این امر در نتیجه تضعیف و محدود کردن ایران اتفاق می‌افتد و می‌تواند برای مدت زمان محدودی موازنه ناپایدار را شکل دهد. در مرحله دوم، کشور عراق که مورد حمایت اقتصادی و استراتژیک

1- Middle East Journal.

آمریکا و دیگر کشورهای مؤثر در سیاست بین‌الملل قرار گرفته است، قادر می‌شود تا فضای تعادل منطقه‌ای را تغییر داده و با حمله نظامی به کویت، زمینه شکل‌گیری هژمونی منطقه‌ای را به وجود آورد. این امر نشان می‌دهد که آمریکا نتوانست تعادل لازم و مؤثر را برای کنترل منطقه ایجاد نماید. آمریکا به جای تعادل و موازنه منطقه‌ای به موازنه ایران مبادرت نمود.

نگرش انوشیروان احتشامی درباره جنگ ایران - عراق

انوشیروان احتشامی در زمره تحلیل‌گران مسائل غرب آسیا در دانشگاه دورهام انگلیس است. وی تاکنون مقالات و کتاب‌های زیادی درباره سیاست خارجی ایران، جنگ ایران و عراق و امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه و خلیج فارس منتشر کرده است. مطالعات احتشامی ماهیتی توصیفی دارد. وی معتقد است که جنگ علیه ایران واکنش اجتناب‌ناپذیر سیاست بین‌الملل به انقلابی است که می‌توانست ثبات و تعادل غرب آسیا را دگرگون نماید. موضوع صدور انقلاب و همچنین سیاست خارجی نه شرقی - نه غربی را می‌توان نشانه‌ای از رادیکالیسم، انقلابی‌گری و تلاش برای بکارگیری سیاست تغییر وضع موجود دانست.

کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین آمریکا بر این اعتقاد بودند که باید زمینه‌های مقابله با ایران را به وجود آورد. به همین دلیل آنها برای مقابله با ایران، سیاست حمایت از عراق را در پیش گرفتند. تغییر در شکل همکاری‌های جهان عرب را می‌توان در زمره مؤلفه‌هایی دانست که عامل تغییر و دگرگونی در الگوی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس شد. این امر بن‌بست میان اردوگاه رادیکال و میانه‌رو در کشورهای عرب غرب آسیا را شکست. وحدت کلمه جدیدی با ماهیت ضد ایرانی به وجود آمد. به همان اندازه که کشورهای عرب با انقلاب ایران مخالفت می‌نمودند، جهان عرب نیز در زمره مخالفان سیاست ایران به حساب می‌آمد.

به این ترتیب، انوشیروان احتشامی موضوع رادیکالیسم در سیاست خارجی ایران و همچنین تحولات صدور انقلاب را در زمره موضوعات و مؤلفه‌هایی می‌داند که به مقابله همه‌جانبه کشورها با ایران و شکل‌گیری اجتماع استراتژیک انجامید. در چنین فرآیندی، زمینه برای شکل‌گیری دوران سنگربندی در روابط بین‌الملل با انقلاب ایران به وجود آمد. جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان اصلی‌ترین نشانه سنگربندی در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. این

امر تضادهای نهفته منطقه‌ای را افزایش داد و زمینه‌ی رویارویی کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ را با ایران به وجود آورد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۹۸).

نگرش رونالد آسموس درباره جنگ ایران - عراق

نظریه‌پردازی درباره جنگ ایران و عراق یکی از دغدغه‌های تحلیل‌گران موضوعات غرب آسیا در دهه ۱۹۸۰ محسوب می‌شود. آسموس در زمره پژوهشگران مؤسسه خاورمیانه واشینگتن بود که می‌کوشید تا تحلیل جدیدی از روابط ایران، کشورهای غربی و واحدهای سیاسی خاورمیانه تبیین کند. جنگ علیه ایران را می‌توان موضوع اصلی همکاری میان چین کشورهای دانست. آسموس نظریه اجتماع استراتژیک علیه ایران را مورد تحلیل و پردازش قرار داد. وی در مطالعات خود بر این امر تأکید داشت که خلیج فارس در زمره سیستم‌های تابع منطقه‌ای محسوب می‌شود؛ بنابراین، نمی‌توان هیچ‌گونه تحول متفاوتی از سیاست بین‌الملل و همچنین نیروهای مداخله‌گر بین‌المللی را در سرنوشت سیاسی و امنیت آن مؤثر دانست؛ به عبارت دیگر، متغیر سیستم بین‌الملل در زمره مؤلفه‌هایی است که با الگوهای حمایتی و محدود کردن به کنترل فضای امنیت منطقه‌ای مبادرت می‌نماید.

در نگرش تحلیلی آسموس مؤلفه‌هایی همانند رادیکالیسم، انقلاب، اسلام‌گرایی و صدور انقلاب در زمره مؤلفه‌هایی محسوب می‌شود که نیروهای مؤثر نظام بین‌الملل ضرورت مقابله با آن را اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند. هریک از کشورهای مؤثر در سیاست بین‌الملل که نقش مداخله‌گرانه‌ای ایفا می‌کند در زمره واحدهایی است که در صدد کنترل فضای امنیت منطقه‌ای می‌باشند. به این ترتیب، آنان به اقدامات مداخله‌گرانه و رفتارهای کنترل‌کننده مبادرت می‌نمایند. از نظر آسموس، ساختار نظام بین‌الملل باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن کنترل محیط بحرانی، امکان تعامل بازیگران مختلف را برای مقابله با نیروهای ضد نظام به وجود آورد. از دیدگاه آسموس جمهوری اسلامی ایران با قواعد دوقطبی مخالف بود. به همین دلیل زمینه شکل‌گیری اجتماع استراتژیک علیه آن به وجود آمد. طبیعتاً زمانی که نظام بین‌الملل قدرت کنترل مؤثری داشته باشد، می‌تواند از تلاش‌های سازمان یافته برای کنترل نیروهای انقلابی به خوبی بهره‌برد. این امر انعکاس واکنش ساختار در برابر نیروهای سیاسی و اجتماعی رادیکال محسوب می‌شود (Asmos, 1995:28).

نگرش مایکل آژاری درباره جنگ ایران - عراق

هرگونه تحول منطقه‌ای و بین‌المللی در نگرش ساختاری، تحت تأثیر نیروهای بین‌المللی قرار می‌گیرد. آمریکا، اتحاد شوروی و کشورهای اروپایی را می‌توان در زمره واحدها و نیروهایی دانست که می‌توانند بر تحول بحران‌های منطقه‌ای تأثیر بگذارند. امنیت به معنای اراده استراتژیک برای مقابله با بحران محسوب می‌شود. مایکل آژاری با انتشار کتاب جنگ ایران و عراق درصدد برآمد تا تحلیلی ساختاری از نقش سیاسی و امنیتی آمریکا در غرب آسیا را ارائه دهد. این امر با قالب‌های تحلیل ساختاری کاملاً همگون بود و توانست نقش مداخله‌گرایانه آمریکا را در حمایت از عراق در قالب نظریه ضرورت‌های ساختاری ارائه دهد.

در نگرش ساختاری، هرگونه اقدام سیاسی و رفتارهای حمایتی قدرت‌های بزرگ را می‌توان در زمره موضوعات و مؤلفه‌هایی دانست که بر فرآیند و نتایج فعالیت‌های منطقه‌ای بازیگران می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ به عبارت دیگر، هرگونه حمایتی می‌بایست در قالب اقدامات مداخله‌گرایانه انجام پذیرد. این‌گونه اقدامات در محدوده گسترده‌ای از سیاست‌های حمایتی آمریکا و دیگر قدرت‌های بزرگ از عراق منعکس می‌شود. در نظریه ضرورت‌های ساختاری، هرگونه اقدام قدرت‌های بزرگ، نشانه‌ای از سیاست‌های اجتناب‌ناپذیر امنیتی محسوب می‌شود که می‌تواند بر تصمیم‌گیری استراتژیک کشورهای منطقه تأثیر بگذارد. آژاری در کتاب خود پیش‌بینی نمود که آمریکا ابزارهای استراتژیک متنوعی را بکار خواهد گرفت تا موقعیت ایران را در حوزه غرب آسیا کنترل نماید. دیدگاه ارائه شده بر این امر تأکید دارد که قدرت‌های بزرگ به‌عنوان نیروهای کنترل‌کننده قاعده بازی محسوب می‌شوند که از ظهور نیروهای مخالف قواعد ساختار منطقه‌ای و بین‌المللی جلوگیری به عمل می‌آورند. این نظریه را می‌توان یکی از نشانه‌های رفتار قدرت‌های بزرگ برای کنترل تحولات سیاسی در محیط‌هایی دانست که از جایگاه حساس و همچنین مطلوبیت استراتژیک در سیاست بین‌الملل و اقتصاد جهانی برخوردارند. ضرورت‌های ساختاری، هرگونه رفتار سیاسی و امنیتی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند (Azahry, 1984:123).

نگرش ماکسون جانسون درباره جنگ ایران - عراق

جانسون در زمره تحلیل‌گران موضوعات امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شود. وی امنیت را با

مؤلفه‌هایی همانند نظامی‌گری پیوند می‌دهد. جانسون در مطالعات خود به این نتیجه رسیده است که اگر آمریکا در حوادث سیاسی و امنیتی مداخله می‌کند و یا این که از الگوی رفتار استراتژیک می‌گیرد، بدان معناست که چنین موضوع یا بازیگری برای آن کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. امنیت منطقه‌ای از دیدگاه قدرت‌های بزرگ دارای شاخصه‌های خاصی است. از جمله این نشانه‌ها می‌توان به چگونگی ایفای نقش نظامی اشاره کرد. وی کتابی درباره نقش نظامی آمریکا در جنگ خلیج فارس به نگارش در آورده است. بر اساس مطالعات آماری جانسون درباره تحولات نظامی و الگوهای امنیتی این نتیجه حاصل شده است که آمریکایی‌ها به لحاظ قرار گرفتن خلیج فارس در زمره حوزه منافع حیاتی خود آمادگی لازم برای راه‌اندازی جنگ‌های منطقه‌ای در این حوزه جغرافیایی را دارند. نشانه‌های چنین امری را می‌توان در نقش‌آفرینی آمریکا در حوادث بحرانی این منطقه از جمله جنگ ایران و عراق جستجو کرد.

به اعتقاد جانسون آمریکا به دلیل قرار گرفتن منطقه خلیج فارس در زمره موضوعات امنیتی و مطلوبیت‌های استراتژیک خود، در جنگ منطقه‌ای خلیج فارس شرکت نمود. خلیج فارس نه تنها در چارچوب دکترین کارتر به عنوان نماد نظامی‌گری آمریکا تلقی می‌شود، بلکه باید آن را در چارچوب فرماندهی مرکزی آمریکا در منطقه نیز ملاحظه کرد. جانسون بر نقش آمریکا بر تحول جنگ ایران با عراق نیز تأکید می‌کند. وی بر این اعتقاد است که ایفای چنین نقشی در قالب ضرورت‌های رفتار استراتژیک آمریکا قرار داشته و آنها هیچ‌گاه تمایلی به بهره‌گیری از الگوهای انفعالی نخواهند داشت. انفعال استراتژیک در نگرش و اندیشه آمریکا مخاطره‌ای بزرگ محسوب می‌شود؛ بنابراین، آمریکایی‌ها با شکل‌گیری جنگ منطقه‌ای و یا تحول استراتژیک در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به ایفای نقش مقابله‌جویانه مبادرت خواهند نمود. جانسون نقش آمریکا در حمایت از عراق در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران را ناشی از نقش بین‌المللی آمریکا برای امنیت‌سازی می‌داند (Johnson, 1990: 128).

نگرش اکبر هاشمی رفسنجانی درباره جنگ ایران - عراق

آقای هاشمی رفسنجانی، در مصاحبه‌ای صریح با سایت شخصی خود، نگرش خود را پیرامون جنگ تحمیلی این‌گونه بیان می‌کند که: «این جنگ را دیگران طراحی و اجرا کردند. نمی‌توانم

بگویم نمی شد جلوی جنگ گرفته شود ولی ما نه طراح جنگ بودیم نه مجری آن. حتی حدود یک ماه پس از آغاز رسمی جنگ عراق علیه ایران، یک روزنامه آمریکایی به نقل از یکی از کارشناسان نظامی آمریکا فاش کرد که طرح عراق برای حمله به ایران در سال ۱۹۵۰ میلادی توسط انگلیس طرح ریزی شده بود».

وی در جایی دیگر می گوید: «به هر حال اگر مسائل ما به روز بود و بر اوضاع مسلط بودیم که بتوانیم برای جلوگیری طراحی کنیم، شاید می توانستیم ولی مطمئن نیستم. چون دشمنان از قبل طراحی داشتند. حتی قبل از شروع، زمزمه آن به گوش می رسید. بعد از شکست کودتای نوژه، آمریکایی ها گفته بودند این دفعه طرحی داریم که کودتا نیست تا کشف شود و شورش نیست تا جلویش را بگیرند. طرح ما چیز دیگری است که علنی هم خواهد بود. این حرف تفسیری غیر از جنگ نداشت. بعدها فاش کردند که این جنگ از تیر ماه ۵۹ شمسی که برژینسکی در مرز اردن با صدام ملاقات کرد، شروع شد».

ایشان در خصوص نقش شوروی و آمریکا در وقوع جنگ می گوید: «این موضوع فقط مختص به غربی ها نبود و شرقی ها هم در متن افکارشان قبول نداشتند که یک حکومت اسلامی در کنارشان تشکیل شود. چون مبنای ایدئولوژی آنها الحاد بود. اصلاً زمینه فکری آنها الحادی است. هم افکار مارکسیستی را تبلیغ کرده بودند و هم ساختارشان الحادی بود. به علاوه در داخل خود شوروی حدود ۱۰۰ میلیون مسلمان بود که پیروزی انقلاب می توانست برای آنها سازندگی داشته باشد. همه این مسلمانان در همسایگی ما، در آذربایجان، ترکمنستان، قفقاز و آسیای میانه و دیگر جمهوری های شوروی بودند». هاشمی رفسنجانی همچنین در جای دیگری به دلیل انتخاب عراق برای تجاوز به ایران اشاره کرده و می گوید: «اینکه چرا عراق برای تجاوز به ایران در بین کشورهای عربی انتخاب شد هم دلایل خاص خود را داشت. چون اکثریت مردم عراق شیعه بودند و مسلمانان سنی و غیر بعثی ها و کردها هم تمایل به انقلاب اسلامی ایران داشتند. سران حزب بعث احساس می کردند بعد از ایران نوبت عراق است که انقلاب اسلامی در آن اتفاق بیفتد. از طرفی شهید صدر و خواهرش، شاگردان شهید صدر و حوزه علمیه هم کارشان را شروع کرده بودند. سابقه حضور امام هم در بین نیروهای مذهبی و مردم مسلمان عراق مؤثر بود» (گروه سیاسی سایت فارس، ۹۳/۰۷/۰۶).

وی در خصوص مقطع آغاز جنگ می‌گوید: «شروع جنگ تحقیقاً برای نابودی انقلاب بود و از آن رو که شرقی‌ها و غربی‌ها از این انقلاب راضی نبودند، غرب که بیشترین منافع را در ایران داشت، انقلاب را مستقیماً علیه منافع خود دانست، باید در ایران شرایطی به وجود می‌آمد که دیگران ناامید شوند و بگویند نمی‌شود بدون اتکا به غرب و شرق، انقلابی باقی بماند و یکی از اهداف جنگ، تحقق این امر بود و برای سرکوبی و مهار انقلاب، مارکسیسم شرق و امپریالیسم غرب در این هدف به تلاقی رسیدند. صدام نقطه تقاطع خطوط فوق بود و از آنجا شروع کردند و بر روی ایران فشار آوردند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۸: ۴۱).

نگرش محسن رضایی درباره جنگ ایران - عراق

آقای محسن رضایی، در مصاحبه‌ای صریح با سایت شخصی خود، نگرش خود را پیرامون جنگ تحمیلی این‌گونه بیان می‌کند که: «جنگ پس از یکسری اقدامات علیه انقلاب شکل گرفت که بیشتر این کارها با حمایت دولت عراق صورت گرفت. کودتاچیان با عراقی‌ها هماهنگ بودند. شورشیان کردستان با عراق در ارتباط بودند. درگیری‌های قبل از شهریور سال ۶۰ در مرز توسط عراق شکل گرفت. در واقع از روز پیروزی انقلاب، صدام با ما درگیر بوده و با جمهوری اسلامی روابط دیپلماتیک و یا مسالمت‌آمیز نداشت. در همه این منازعات هم همیشه عراق شروع‌کننده بود. صدام حسین وقتی حسن البکر را کنار زد و رییس‌جمهور شد، به‌عنوان اینکه ما با ایران درگیریم یک تسویه داخلی ایجاد کرد و به این بهانه در واقع هم طرفداران ایران را بر کنار کرد. هم طرفداران سوریه و هم طرفداران حزب کمونیست. او در چند ماه هر سه گروه را قلع و قمع کرده و آشکارا گرایش به غرب از خود نشان می‌داد. ایشان از آغاز حکومت، به دنبال گسترش قدرت خود بود. چطور ایران می‌توانست با کسی که صرفاً دنبال قدرت‌طلبی است نزدیک شده و دیپلماسی‌اش کارآمد باشد. این را باید در نظر داشت که اتفاقاً در آن روزها، شرایط خوبی هم برای تعاملات دیپلماتیک با عراق وجود داشت. دستگاه سیاست خارجی ما که در اختیار بنی‌صدر بود بسیار گرایش به فرانسه داشت. صدام هم با فرانسه ارتباط نزدیکی برقرار کرده بود. البته نهضت آزادی که دولت موقت را در اختیار داشت، نسبت به عراق خیلی بدبین بود، چون به حزب بعث بدبین بود و کار زیادی برای ارتباط‌گیری با عراق نمی‌کرد و دیپلماسی‌شان در

این باره بسیار ضعیف بود».

ایشان پیرامون توافق دو کشور شوروی و آمریکا بر سر حمله عراق به ایران این گونه بیان می‌کند که: «دلیل توافق دو کشور شوروی و آمریکا بر سر حمله عراق به ایران این بود که صدام راه غرب را در پیش گرفته بود و به غرب نزدیک می‌شد و از شوروی کم کم فاصله می‌گرفت؛ و بعد هم دیدیم که قبل از جنگ، برژینسکی به عراق آمد و به صدام برای حمله به ایران چراغ سبز نشان داد. صدام می‌خواست مطمئن شود که اگر وارد جنگ با ایران شود، آمریکا از ایران حمایت نمی‌کند. چون می‌دانست اگر آمریکا موشک‌ها و تجهیزات نظامی‌اش را در اختیار ایران بگذارد، دیگر عراق توان شکست ایران را ندارد. عراق می‌خواست به کشوری که دست و پایش بسته است به آسانی حمله کند و برای اینکه دست و پای ایران را بسته ببیند، باید با آمریکا به توافق می‌رسید. لذا خیلی آشکار از شوروی فاصله گرفت و به آمریکایی‌ها نزدیک شد. از سوی دیگر، بین آمریکا و شوروی بر سر حمله به افغانستان توافق شده بود. شوروی‌ها هم نگران بودند که در صورت حمله به افغانستان، با واکنش شدید آمریکا روبه‌رو شوند؛ بنابراین، هم آمریکایی‌ها و هم شوروی‌ها سکوت کردند و یک معامله‌ای در سطح منطقه انجام شد که عراق در جبهه آمریکا نقش ایفا کرده و افغانستان هم در جبهه شوروی بماند؛ بنابراین تا مدت‌ها برخوردی که آمریکا در افغانستان کرد ضعیف و فرمایشی بود» (پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر محسن رضایی، ۲۶ آذر ۱۳۹۴).

نگرش دکتر علی اکبر ولایتی درباره جنگ ایران-عراق

آقای دکتر علی اکبر ولایتی، در کتاب خود با عنوان، «تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران»، نگرش خود را پیرامون جنگ تحمیلی بیان می‌کند. در جای جای این کتاب، مرادها، تماس‌ها و نامه‌هایی که بین جمهوری اسلامی ایران و سازمان ملل متحد و همچنین مابین ایران و رئیس‌جمهور عراق صورت گرفته است دیده می‌شود. تحلیل عملکرد دولت ایران، عراق و سیاست دولت‌های بلوک غرب و شرق از ویژگی‌های دیگر این کتاب است. دکتر ولایتی اختلافات دو کشور ایران و عراق را دارای ریشه‌ای عمیق در گذشته بیان کرده و با تشریح و تحلیل اختلاف ایران و عراق در ادامه به بررسی عوامل ایجاد جنگ و جانب‌داری دولت‌های منطقه و شرق و غرب می‌پردازد. در قسمت‌هایی از نظرات وی آمده است که: بیش از ۴۴۰ سال

است که دو کشور معاهدات متعدد صلح و دوستی و تحدید حدود مرزها منعقد کرده‌اند که در برخی از آن‌ها جای پای دخالت بیگانگان کاملاً مشهود است؛ اما با انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره به نظر می‌رسید به همه منازعات و اختلافات خاتمه داده شده است. پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه در ایران باعث شد تا ساختار قدرت در خاورمیانه دستخوش تغییر گردد و نظام امنیتی ساخته و پرداخته غرب در منطقه برهم بخورد. عراق کوشید تا به‌عنوان یک مرکز جدید قدرت ظاهر شده و خلأ پدید آمده را پر سازد. عراق با هدف دستیابی به نقش ژاندارمی منطقه و کسب سرزمین‌هایی از ایران و با ارزیابی از اوضاع و احوال داخلی ایران، پس از اعلام لغو قرارداد ۱۹۷۵، دست به حمله سیاسی و نظامی همه‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران زد. از سوی دیگر دولت‌های منطقه با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحت تأثیر تبلیغات منفی بیگانگان، ایران را سرچشمه تهدید علیه خود می‌دانستند. لذا به حکومت صدام علیه ایران کمک می‌کردند. آمریکا نیز با هدف تحت فشار قرار دادن ایران جهت آزادی گروگان‌های خود و به منظور مهار خطری که از جانب ایران متوجه منافع خود در منطقه می‌دانست، با سیاست صدام حسین همسو بود. اتحاد شوروی نیز انقلاب اسلامی تازه نفس را خطری جدی برای ایدئولوژی کمونیسم می‌دانست. در نهایت، حاصل جمع همه عوامل ذکر شده منجر به آغاز جنگ توسط عراق گردید (ولایتی، ۱۳۸۰: ۱۵ الی ۶۰).

نگرش نیکسون^۱ درباره جنگ ایران - عراق

اظهار نظر نیکسون، درباره عراق و تجزیه و تحلیل آن در مقاله محمدعلی امامی، عناصر اصلی نظریه تبیین علل وقوع جنگ ایران و عراق را فراهم آورده است. نیکسون در صفحه ۱۴۱ کتاب «جنگ حقیقی، صلح حقیقی» در زمینه ضرورت بهبود روابط آمریکا با عراق نوشته است: «برای ایالات متحده آمریکا دلایل کافی و منطقی زیادی برای بهبود روابط با کشور عراق وجود دارد. از طرفی شوروی به نوبه خود برای دستیابی و نفوذ از هیچ کوششی دریغ نکرده است؛ اما عراقی‌ها با قطع نفوذ حزب کمونیست چهره مخالف خود را به روس‌ها نشان داده‌اند». امامی در ادامه آورده

۱- نیکسون رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا است که پس از رسوایی واترگیت از کار برکنار شد و طی این مدت به انتشار کتاب مبادرت ورزید. کتاب جنگ حقیقی، صلح حقیقی و کتاب فراسوی صلح و برخی آثار دیگر از نیکسون در ایران ترجمه شده است.

است که: به این ترتیب بسیاری از آمریکاییان حمله سال ۱۹۸۰ م صدام حسین به ایران را بر اساس معیارهای توازن قوا ارزیابی کردند. شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و عربستان سعودی حریف ایران نبودند و تنها عراق می‌توانست به نبرد پردازد و با ایران بر سر رهبری خلیج فارس رقابت کند. احتمال نمی‌رفت که عراق بتواند ایران را فتح کند؛ اما می‌توانست حکومت تهران را تضعیف کرده و موجب گرفتاری آن شود. تصمیم آمریکا در اعمال فشار بر ایران، موجب اهمیت عراق شد.

در این مقاله، با اینکه نتیجه‌گیری اجمالی از سخنان نیکسون صورت گرفته است اما ذکر از منطق حاکم بر آن نشده است. در عین حال، به نظر می‌رسد توضیحات نیکسون در ضرورت برقراری رابطه آمریکا با عراق همچنان متأثر از فضای دوران جنگ سرد و نظام دو قطبی و ظهور پدیده انقلاب اسلامی در منطقه خلیج فارس است. نیکسون، با این ملاحظات، به تغییر رفتار عراق در برابر شوروی، رهبر اردوگاه کمونیزم، توجه کرده است. گرچه نیکسون در اینجا موضوع را به اجمال بیان کرده است؛ اما می‌توان چنین استنباط کرد که او با توجه به عناصر اصلی برقراری موازنه‌ی قوا در خلیج فارس در دوران جنگ سرد و بر اساس نظریه دو ستونه کیسینجر، رفتار جدید عراق در برابر شوروی را به منزله خروج عراق از چارچوب سیاست‌ها و استراتژی منطقه‌ای شوروی ارزیابی می‌کند. معنای نهفته در این ارزیابی این است که تغییر رفتار عراق، به همان اندازه انقلاب اسلامی، موازنه قوا در منطقه را برهم زد و باید برای مهار و کنترل این وضعیت به تناسب شرایط جدید به همان میزان که به انقلاب اسلامی ایران و احتمالاً گسترش بنیادگرایی در منطقه و نگرانی حاصل از تغییر موازنه توجه می‌شود، به تغییر رفتار عراق و بهره‌برداری از آن برای کنترل انقلاب اسلامی توجه شود. شاید این نتیجه‌گیری مبالغه‌آمیز نباشد که استراتژی جدید منطقه‌ای آمریکا در سال‌های دهه ۱۹۸۰، با الهام از مبانی تفکر نیکسون طراحی شد؛ بدین معنا که استراتژی جدید آمریکا برخلاف سال‌های دهه ۱۹۷۰ که برای مهار عراق رادیکال با اتکا بر ایران طراحی شده بود در سال‌های دهه ۱۹۸۰، با هدف مهار ایران انقلابی با اتکا بر عراق طراحی و اجرا شد. نقطه آغاز این استراتژی، با چرخش عراق از شوروی به سمت غرب و سپس حمله به ایران، همسو با منافع غرب بود که با خاتمه جنگ ایران و عراق و تمهیدات بعدی عراق برای برتری منطقه‌ای و سپس تجاوز و اشغال کویت در سال ۱۳۶۹ پایان یافت؛ به عبارت دیگر، به همان میزان که جنگ

علیه ایران، نقش عراق را در استراتژی جدید منطقه‌ای آمریکا تعریف و تثبیت کرد، تجاوز به کویت و اشغال آن با تعرض عراق به منافع آمریکا و غرب به معنای پایان این استراتژی ارزیابی شد و لذا انهدام توان نظامی عراق به هدف اصلی آمریکا و غرب تبدیل شد (درودیان، ۱۳۸۳: ۶۰).

نگرش گراهام فولر^۱ درباره جنگ ایران - عراق

عناصر اصلی نظریه فولر شباهت نسبتاً زیادی به نظریه کردزمن دارد. وی نیز، منازعات مرزی را یکی از زمینه‌های ژئوپلیتیکی مناسبات دو کشور، که ریشه‌های آن به دوران فرمانروایان امپراتوری عثمانی بازمی‌گردد، معرفی می‌کند و به این نتیجه رسیده است که این منازعات بیش از آنکه ساختگی باشد اساساً بازتاب تنش‌های ژئوپلیتیکی گسترده‌تر میان دو کانون قدرت است. وی نیز با نظر به اهمیت استراتژیک اروندرود برای عراق و آسیب‌پذیری ژئواستراتژیک عراق به دلیل محدودیت دسترسی به سواحل آبی نوشته است که این مسیر استراتژیک و حیاتی در معرض آسیب‌پذیری دائم و گروگان روابط حسنه با ایران است. بر این اساس، فولر برای توضیح علل وقوع جنگ و اهمیت نقش رودخانه اروندرود و اساساً مشکلات ژئوپلیتیکی عراق نوشته است که جنگ ایران و عراق، فرض ژئوپلیتیک وابستگی عراق به این آبراه را کاملاً اثبات کرد.

فولر، بر اساس ریشه‌های اختلاف مرزی ایران و عراق و اهمیت استراتژیک آن به تأثیر وقوع انقلاب خلقی اصیل که به عمر نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران خاتمه داد و تأسیس جمهوری اسلامی در منطقه به رهبری روحانیون اشاره و در زمینه پیامد آن نتیجه‌گیری کرده است که هر دو رویداد فوق در ایران نیروهایی را آزاد کرد که به‌طور کلی بر منطقه و قبل از همه بر عراق تأثیری عمده برجای گذاشت. تأکید فولر بر آزادی نیروها در ایران ناظر بر این مفهوم است که بخشی از علل وقوع جنگ، متأثر از انقلاب اسلامی و روند تحولات داخلی ایران است. به همین دلیل نوشته است که رویارویی مجدد با عراق، بلافاصله پس از سقوط شاه اتفاق نیفتاد. در واقع نخستین دولت ملی‌گرای ایران پس از انقلاب، به نخست‌وزیری مهندس بازرگان کار خود را با صدور بیانیه‌ای

۱- گراهام فولر، نویسنده و تحلیلگر، عضو پیشین سازمان سیا، متخصص در امور جهان اسلام، که به مدت ۲۰ سال در کشورهای عربستان، لبنان، ترکیه، افغانستان و یمن فعالیت داشته و هم‌اکنون عضو مؤسسه تحقیقات رند RAND وابسته به وزارت دفاع امریکاست. کتاب قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران از او ترجمه و منتشر شده است.

مثبت دربارهٔ مناسبات دوجانبهٔ جدید آغاز کرد و هنگامی که روحانیون رادیکال، قدرت را عملاً به دست گرفتند، تصادم واقعی نیز آشکار شد. گراهام فولر، در توضیح ساز و کارهای علل وقوع جنگ بر پایهٔ معضل ژئوپلتیک عراق و تحولات داخل ایران، به ماهیت درگیری‌ها در چارچوب رقابت‌های ایدئولوژیک اشاره کرده و نوشته است که مبارزهٔ نیرومند ایدئولوژیک جمهوری اسلامی با بعضی‌های عراق، از عوامل عمده‌ای بود که به آغاز جنگ انجامید و هر دو کشور برای پرچم‌داری رهبری منطقه‌ای رادیکال، به رقابت با یکدیگر برخاستند.

چنان‌که روشن است گراهام فولر، برخلاف توضیحات پیشین، در اینجا علل آغاز جنگ را در چارچوب نظری دیگری تبیین کرده که شامل رقابت سیاسی - ایدئولوژیک برای تسلط بر منطقه است. وی در ادامه به این مسئله اشاره کرده است که دولت‌های ملی با مقاصد ایدئولوژیک نمی‌توانند متحد یکدیگر باقی‌مانند و سرانجام به جنگ مبادرت خواهند کرد و نوشته است که حکومت‌های رادیکال در خاورمیانه، عموماً بیش از آنکه هدف واحدی را دنبال کنند به رقابت با یکدیگر پرداخته‌اند؛ لذا در زمان فقدان دشمن مشترک، ایران و عراق که به پشتیبانی انقلاب داخلی متکی بودند به رقابت شدید با یکدیگر پرداختند که ناگزیر به تقابل منجر شد (درودیان، ۱۳۸۳: ۷۷).

نگرش خالد بن سلطان (سعودی)^۱ درباره جنگ ایران - عراق

بن سلطان علل تیرگی روابط ایران و عربستان را در چارچوب سیاست‌های ایران با تبلیغات خصمانه علیه فهد توجیه می‌کند و معتقد است نظام جدید اسلامی ایران سعی کرد تا موقعیت عربستان سعودی را در جهان اسلام مخدوش و نقش آل سعود را به‌عنوان خادم‌الحریمین تضعیف کند. وی گفته است که خطر تهدید ایران بر ضد عربستان با آغاز جنگ ایران و عراق تشدید شد. نگرانی از گسترش جنگ سبب شد تا فهد تلاش خود را برای مذاکرهٔ ایران و عراق متمرکز کند؛ ولی ایران به پیروزی خود در جنگ مطمئن بود و درخواست‌های ملک فهد را رد کرد. وی دربارهٔ میزان

۱- شاهزاده خالد بن سلطان کتابی را تحت عنوان جنگجوی صحرا به رشته تحریر درآورده است که خبرگزاری جمهوری اسلامی در خرداد سال ۱۳۷۴ به نقل از خبرگزاری ملی عراق در بولتن خبرهای عراق شماره ۲۸۳، ۱۷ / ۵ / ۱۳۷۴، ص ۱۴ - ۱۲ بخشی از آن را ترجمه کرده است که در این بررسی از آن استفاده شده است.

تهدید ایران برای عربستان در طول جنگ نوشته است که مقامات عربستان سعودی بعد از مطالعه توانایی‌های ایران به این نتیجه رسیده بودند که حمله ایران به عربستان سعودی بعید به نظر می‌رسید؛ زیرا ایران برای این کار باید از خاک کویت یا عراق می‌گذشت. در حالی که ایران فاقد توانایی لجستیکی لازم بود. به علاوه بعید به نظر می‌رسید که ایران با توجه به درگیری خود با عراق، جبهه جدیدی را بگشاید. وی سپس به تمهیدات عربستان برای مقابله با تهدیدات احتمالی ایران از طریق هوا، دریا و موشک، یا سیاست بازدارندگی و خرید موشک از چین اشاره کرده است.

نظریات بن سلطان از این جهت حائز اهمیت است که تا اندازه زیادی دیدگاه کشورهای حاشیه خلیج فارس را آشکار می‌سازد. در عین حال، چون کتاب او پس از استقرار نیروهای آمریکا در عربستان برای آزادسازی کویت در عملیات طوفان صحرا نوشته شده است به نظر می‌رسد ملاحظاتی برای تبیین دیدگاه‌های عربستان و توجیه رفتار این کشور در برابر ایران و حمایت از عراق، در نظر گرفته شده است. فارغ از این ملاحظه کلی، تبیین خالد بن سلطان از مناقشات ایران و عربستان قبل از آغاز جنگ نقایص زیادی دارد (درودیان، ۱۳۸۳: ۷۹).

نگرش عبدالحلیم ابوغزاله^۱ درباره جنگ ایران - عراق

ابوغزاله وزیر دفاع مصر با تدوین کتاب جنگ عراق و ایران دیدگاهی عربی درباره جنگ ایران و عراق ارائه داده است. وی در مقدمه کتاب هدف اصلی خود را ارائه «تصویری از جنگ» برای خوانندگان عرب زبان ذکر کرده و نوشته است: «کوشیده‌ام مواضع بین‌المللی و منطقه‌ای پیش از جنگ و نیز عوامل شکل‌گیری این درگیری را روشن سازم و مسیر حوادث را تا آنجا که جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف برای من امکان‌پذیر بوده به اختصار بیان کنم». ابوغزاله در کتاب خود از جنگ ایران و عراق به‌عنوان جنگ میان «دو دولت مسلمان و همسایه و رقیب» نام می‌برد و این جنگ طولانی را که بیشتر جنگ زمینی بود، «جنگ نیابتی» می‌نامد که در نهایت در

۱- ابوغزاله وزیر دفاع مصر در دوران جنگ ایران و عراق بود که دیدگاه‌های خود را در کتاب جنگ عراق و ایران منتشر ساخته است. این کتاب که به وسیله مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران ترجمه و در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است، یک مقدمه و ۱۲ فصل دارد که عبارتند از: مواضع جهانی قبل از جنگ، ریشه‌های اختلاف بین عراق و ایران، عوامل مؤثر بر سیر جنگ، وضعیت صحنه عملیات، اهداف سیاسی - نظامی عراق، جنگ در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲، ادامه حملات ایران در اوایل سال ۱۹۸۳، جنگ فرسایشی، آخرین حمله ۱۹۸۷ - ۱۹۸۶، ادامه جنگ فرسایشی، هجوم عراق و دخالت غرب، درس‌هایی از جنگ.

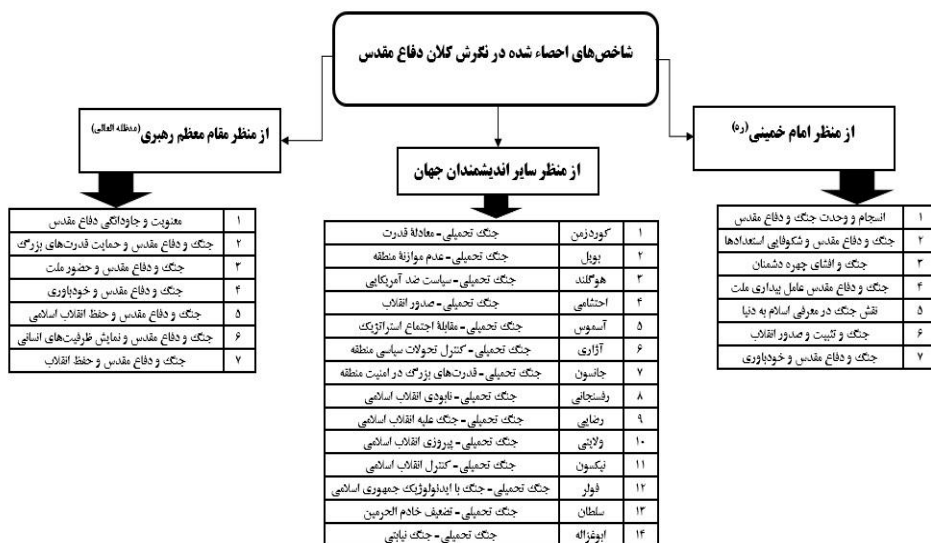
حالت «نه جنگ و نه صلح» متوقف شد. ابوغزاله معتقد است جنگ ایران و عراق از لحاظ استراتژیک یکی از مهم‌ترین برخوردهای نظامی عصر حاضر است و بر خلاف سایر برخوردهای نظامی در جهان سوم، این جنگ تقریباً منافع همه کشورهای جهان را بدون استثنا تهدید کرد و بر آن تأثیر مستقیم گذاشت. به همین دلیل، جنگ از همان ابتدا جنبه بین‌المللی منحصر به فرد و گسترده‌ای به خود گرفت. وی در مورد تأثیر جنگ بر معادلات منطقه‌ای، بر این نظر است که اسرائیل از ایران حمایت کرد؛ زیرا تضعیف عراق به‌عنوان یک کشور عربی، عراق را از محاسبات عربی اسرائیل خارج ساخت.

وی نظر کردزمن را در مورد جنگ، به‌عنوان جنگ «نظام لائیک عراق با نظام اسلامی» ایران نقد کرده و به‌عنوان یک خطای بزرگ نام می‌برد و نوشته است: «جنگ بین «عرب و فارس» بود که ریشه تاریخی آن به صدها سال قبل بازمی‌گردد.» وی در فصل دوم کتاب می‌نویسد: «تاریخ نشان می‌دهد که جنگ ایران و عراق ادامه همان درگیری فارس و عرب است که از سال ۶۰۶ قبل از میلاد مسیح آغاز شد و تا امروز ادامه دارد.» وی مناسبات ایران و عراق را در دوره عثمانی و در دوره معاصر در همین چارچوب دسته‌بندی کرده است. ابوغزاله بر این نظر است که با امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نه تنها از دشمنی‌ها کاسته نشد بلکه با پیروزی انقلاب در ایران و سرنگونی شاه بر تنش‌ها افزوده شد. در حالی که وی سعی دارد جنگ را در چارچوب فارس و عرب تفسیر کند، شروع جنگ را در چارچوب مفاهیم تحلیلگران غربی که بیشتر حاوی دیدگاه قدرت‌های بزرگ است، تحلیل می‌کند. وی به تأثیر انقلاب در تغییر توازن منطقه‌ای پرداخته است و حرکت عراق را در استفاده از «فرصتی مناسب و تکرار ناشدنی برای بازیابی نقش ژاندارمی منطقه خلیج فارس بعد از سقوط شاه» ذکر می‌کند و می‌نویسد: «همه این اقدامات نشان می‌دهد صدام حسین از هنگام سقوط شاه و پیروزی انقلاب در ایران در اوایل سال ۱۹۷۹ خود را آماده حمله به ایران می‌کرده است» (درودیان، ۱۳۸۳: ۸۱).

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

در پاسخ به پرسش این مقاله که عبارت است از «نگرش و دیدگاه اندیشمندان دفاعی و امنیتی پیرامون جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چیست؟» و با بررسی نگرش‌ها و نقطه نظرات برخی از

اندیشمندان امنیتی و دفاعی به خصوص دو اندیشمند بزرگ انقلاب اسلامی یعنی امامین انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله‌عظمی‌المرکز آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، می‌توان این گونه تجزیه و تحلیل نمود که حضرت امام خمینی (ره)، پیرامون دیدگاه کلان خود در راستای جنگ تحمیلی و یا به تعبیر زیبایی خود، «دفاع مقدس»، هفت شاخص کلی را عنوان نمودند (مدل مفهومی)، که عبارت است از: انسجام و وحدت جنگ و دفاع مقدس؛ جنگ و دفاع مقدس و شکوفایی استعدادها؛ جنگ و افشای چهره دشمنان؛ جنگ و دفاع مقدس عامل بیداری ملت؛ نقش جنگ در معرفی اسلام به دنیا؛ جنگ و تثبیت و صدور انقلاب و نیز جنگ و دفاع مقدس و خودباوری و همچنین در بررسی دیدگاه و نگرش کلان مقام معظم رهبری پیرامون جنگ عراق بر علیه کشور ایران هم هفت شاخص کلی احصاء گردید که عبارت است از: معنویت و جاودانگی دفاع مقدس؛ جنگ و دفاع مقدس و حمایت قدرت‌های بزرگ؛ جنگ و دفاع مقدس و حضور ملت؛ جنگ و دفاع مقدس و خودباوری؛ جنگ و دفاع مقدس و وحدت جنگ و دفاع مقدس؛ جنگ و دفاع مقدس و شکوفایی استعدادها؛ جنگ و افشای چهره دشمنان؛ جنگ و دفاع مقدس عامل بیداری ملت؛ نقش جنگ در معرفی اسلام به دنیا؛ جنگ و تثبیت و صدور انقلاب؛ جنگ و دفاع مقدس و خودباوری؛ جنگ و دفاع مقدس و حضور ملت؛ جنگ و دفاع مقدس و نمایش ظرفیت‌های انسانی؛ جنگ و دفاع مقدس و حفظ انقلاب؛ جنگ و دفاع مقدس و نمایش ظرفیت‌های انسانی و نیز جنگ و دفاع مقدس و حفظ انقلاب.



مدل مفهومی تحقیق؛ شاخص‌های احصاء شده از دیدگاه‌های مختلف

نکته قابل توجه این است که هر دو بزرگوار اصلی‌ترین دلیل برپایی این جنگ را تشکیل

انقلاب اسلامی در کشور ایران معرفی نموده و حمایت دو بلوک غرب و شرق یعنی آمریکا و شوروی را از عراق به دلیل ظهور این انقلاب در منطقه بیان می‌دارند. در واقع نقطه کانون درگیری، همان وقوع انقلاب اسلامی ارزیابی و معرفی شده است.

بنابراین از فرمایشات این دو بزرگوار می‌توان به این تحلیل رسید که پیروزی انقلاب اسلامی، موجب شکست سیاست خارجی آمریکا در منطقه شد و در پی سرنگونی شاه، حلقه مرکزی کمربند امنیتی غرب به دور کمونیزم گسسته شد و استراتژی منطقه‌ای آمریکا بازوی قدرتمند نظامی خود را از دست داد (درویشی و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۶) و از سوی دیگر انقلابی با شعارهای اسلامی و با ایجاد یک نظام اسلامی و مخالف با سیاست‌ها و تفکرات غربی و شرقی و نیز بدون تکیه بر دو قدرت موجود جهان به وجود آمد. می‌توان وقوع این انقلاب را علت اصلی حمایت دو ابرقدرت شرق و غرب از عراق در جنگ علیه ایران بر شمرد.

در بررسی و تحلیل دیدگاه و نگرش دیگر صاحب‌نظران و اندیشمندان داخلی و خارجی نیز می‌توان به این نکته رسید که عامل اصلی برپایی جنگ میان ایران و عراق بحث دو ابرقدرت بزرگ به نام غرب و شرق بودند که انقلاب ایران را به‌عنوان تهدیدی بزرگ برای اهداف خود می‌دیدند؛ به عبارت دیگر از جنگ بر علیه ایران برای نابودی انقلاب در این کشور حمایت می‌کردند. غرب با داشتن بیشترین منافع در ایران، انقلاب را مستقیماً علیه منافع خود می‌دانست، باید در ایران شرایطی به وجود می‌آمد که دیگران از ادامه مسیر بدون اتکا به غرب و شرق، ناامید شوند. در واقع یکی از اهداف جنگ، تحقق همین مسئله بود. برای سرکوبی و مهار انقلاب، مارکسیسم شرق و امپریالیسم غرب در این هدف به تلاقی رسیدند و صدام نقطه تقاطع خطوط فوق بود و از آنجا فشار خود را بر ایران آغاز نمودند.

نتیجه‌گیری

با اتمام بررسی و نتیجه به عمل آمده بخشی از نظریات موجود درباره علل وقوع جنگ، در یک جمع‌بندی کلی به نظر می‌رسد نقطه اشتراک تمامی نظریه‌ها، تأکید بر انقلاب و تغییر وضعیت پیامد آن به‌عنوان بستر اصلی وقوع جنگ و تحریک اختلافات مرزی در پی خلأ قدرت و تلاش عراق برای جبران آن و سایر عوامل بوده است. در واقع نقطه کانون درگیری، همان وقوع انقلاب

اسلامی ارزیابی شده است. ظاهراً چارچوب مفهومی این نگرش متأثر از تعریف مفهوم انقلاب در تفکر لیبرالیستی به معنای ایجاد تغییر در وضع موجود است. حال اگر این انقلاب از ماهیت دینی برخوردار باشد با مفاهیم و مبانی تمدن کنونی غرب که با آموزه جدید پس از رنسانس شکل گرفته است، در تضاد خواهد بود؛ به همین دلیل مخالفت با انقلاب اسلامی و تعیین نقش و تأثیر انقلاب در وقوع جنگ نقطه اشتراک نظریه پردازی‌های آن است. از منظر بلوک شرق و شوروی، حتی اگر ایجاد تغییر در وضع موجود به زیان منافع غرب و آمریکا یک امتیاز ژئواستراتژیک ارزیابی می‌شد؛ از نظر ماهیت دینی، انقلاب اسلامی با آنها در تضاد کامل بود.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- امام خمینی، روح‌الیه (۱۳۷۸)؛ صحیفه امام (۲۲-۱)؛ مجموعه آثار امام خمینی (ره)؛ (مجموعه بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و...) تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۳- حدیث ولایت (نرم‌افزار-ویرایش دوم)، مجموعه بیانات و پیام‌ها و رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی).
- ۴- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)؛ فرهنگ دفاعی- امنیتی، تهران: سنا، مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت.
- ۵- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)؛ مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.
- ۶- برگ، اتوکلاین (۱۳۶۸)؛ روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، جلد ۲، چاپ هشتم، تهران: نشر اندیشه.
- ۷- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)؛ نظام دوقطبی و جنگ عراق و ایران، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ۸- شاهقلیان قهفرخی، رضا (۱۳۹۵)؛ چرایی و چگونگی پایان جنگ تحمیلی و تأثیر آن در پذیرش قطعنامه ۵۸۹، فصلنامه جامع دفاع مقدس، سال اول، شماره دوم، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- ۹- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)؛ سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۰- کوردزمن، آنتونی، آرواگنر، آبراهام (بی‌تا)، درس‌هایی از جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

- ۱۱- رضایی، مهدی (۱۳۹۴)؛ شیوه کاربردی کردن ارزش‌های دفاع مقدس برای مقابله با جنگ نرم، دو فصلنامه دانش جهادی، سال ششم، شماره ۱۵، تهران: دانشگاه افسری امام حسین (ع).
- ۱۲- درودیان، محمد (۱۳۸۳)؛ اجتناب‌ناپذیری جنگ، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۳- دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع (۱۳۶۸)؛ بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد اول، تهران: چاپخانه سپهر.
- ۱۴- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۰)؛ تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- ۱۵- درویشی، فرهاد و گروه نویسندگان (۱۳۸۴)؛ ریشه‌های تهاجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۶- درودیان، محمد (۱۳۸۳)؛ آغاز تا پایان، سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۷- سایت خبری فارس (۹۳/۰۷/۰۶)؛ صحبت‌های صریح هاشمی رفسنجانی درباره جنگ در تارنمای: <http://www.farsnews.com>.
- ۱۸- پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر محسن رضایی (۲۶ آذر ۱۳۹۴)؛ ناگفته‌های سرلشکر محسن رضایی از هشت سال دفاع مقدس، در تارنمای: <http://www.rezaee.ir>.
- ۱۹- پایگاه مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (بی‌تا)؛ «معرفی کتاب: تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران» در وبگاه <http://www.defamoghaddas.ir>.
- 20- Boyle, F.A. (1993). *International Crisis and Neutrality: U.S. Foreign Policy towards the Iran-Iraq War*, in A.T. Leonard (ed), *Neutrality: Changing Concepts and practices*, Oxford: University Press.
- 21- Cordesman, A.H. & Abraham R.W. (1990). *The Lessons of Modern Wars (The Iran-Iraq War)*, Boulder: Westview Press.

22- Cordesman, A. (1991). *Weapons of mass Destruction in the Middle east*, Oxford, Headington Hill Hall.

23- Azhary, M.S. (1984). *The Iran-Iraq War*, New York: St Martin's Press.

بیانات و سخنرانی‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

۲۴- پیام امام (ره) به مسلمانان ایران و جهان، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۲۶، (۶۶/۵/۶).

۲۵- پیام امام (ره) به ملت ایران صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۵۶ - ۱۵۷، (۶۱/۱/۱۲).

۲۶- سخنرانی امام (ره) در جمع اعضای کمیته برگزاری مراسم سالگرد جنگ، همان، ج ۱۸، ص ۱۳۱، (۶۲/۶/۲۸).

۲۷- بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان (۱۳۸۲/۰۶/۲۶).

۲۸- سخنرانی امام (ره) در جمع گروهی از مردم مرزنشین کشور، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۴۶ - ۲۴۷، (۵۹/۷/۸).

۲۹- بیانات در منطقه عملیاتی فتح المبین (۱۳۸۹/۰۱/۱۱).

۳۰- بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان ارتش در دانشگاه شهید ستاری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹/۰۸/۱۹).

۳۱- پیام مقام معظم رهبری به مناسبت نهمین سالگرد جنگ تحمیلی، (۱۳۶۸/۰۶/۳۰).

۳۲- سخنرانی مقام معظم رهبری در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه منطقه‌ی دوم دریایی نیروی دریایی ارتش در بوشهر، (۱۳۷۰/۱۰/۱۲).

۳۳- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، (۱۳۸۲/۱۱/۲۴).

۳۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، (۱۳۸۲/۰۶/۲۶).